

رهائی

سال دوم ، شماره ۸۱
شماره ۲ - مرداد ۱۳۶۰
پایه ۱۰ - رسال

برای انعکاس اخبار مبارزات توده‌ها

نشریه سازمان وحدت کمونیستی

آغاز شمارش معکوس عمر رژیم جمهوری اسلامی!

بعد از قیام از همان آغاز حاکمیت جدید، جنایات و حشانه‌ی رژیم نسبت به زحمتکشان و نیروهای انقلابی بطور مستمر و پیگیر دنبال شد. در این سرکوبها، هر دو جناح حاکم شرکت داشتند و در تمام جنایات رژیم بطور مستقیم سهیم بودند. از کودتای ۲۸ مرداد ۵۸ و طرح ولایت فقیه در مجلس خیرگان، اختلاف دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی، که از قبل نیز وجود داشت، شکل تازه‌ای بخود گرفت. اختلافات دولت موقت و حزب جمهوری اسلامی بهیچوجه در ضرورت سرکوب زحمتکشان و نیروهای انقلابی و بازسازی سرمایه‌داری نبود، بلکه عمدتاً در شیوه سرکوب و نحوه بازسازی بود. بدنبال شکست رژیم در اولین حمله نظامی سراسری به کردستان (که مددورانی نظیر ابوشریف و چمران از تعزیه گردانسان روی صحنه آن بودند)، بدنبال درهم ریختن توهم بیش از پیش توده‌ها نسبت به رژیم (که تبلور آن در انتخابات شورای شهر انعکاس یافت)، بدنبال اوج مجسده مبارزات زحمتکشان، خلقها، سازمانهای دانش‌آموزان، دانشجویان و غیره، حزب جمهوری اسلامی در فکر صحنه سازی و نمایش جدید افتاد که هم رقیب خود را در حاکمیت را به عقب بکشاند، هم مبارزات توده‌ها را منحرف و سرکوب کند و هم قاشون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه را که آماده برای رفرا دوم بود (و احتمالاً بسیار داشت با بی توجهی مردم مواجه شود)، از تصویب بگذراند. در اینحال نمایش منخره "مبارزه‌ی ضد امپریالیستی" میان آمد.

"مبارزه با امپریالیسم" یا "انقلاب بزرگتر از انقلاب اول" دیدیم که با چه فضا حتی بگور سپرده شد. قانون اساسی فوق ارتجاعی، ولایت فقیه، از همان روزاول توسط رژیم زیر پا گذاشته شد. مشکلات اقتصادی و اجتماعی رژیم نه تنها تخفیف نیافت بلکه ایجاد گسترده و هولناکی بخود گرفت. بازرگانان از نخست وزیری به شورای انقلاب و بعد به مجلس رفت، جای او را بنی صدر پر کرد.

بقیه در صفحه ۲



"رهائی"

سه بار در هفته منتشر میشود

رژیم جمهوری اسلامی، برای استقرار مطلق و قطعی حاکمیت ضد انقلابی خود، همواره کوشیده و امروز بیش از هر وقت دیگری کوشد که توده‌ها را در بی اطلاعی کامل از جریان مبارزات بگذارد. برای ایجاد باس و بنامسیدی و جو رعیب و وحشت، قدرت سرکوبگرانه خود را عمده ویر-خته کند. بهین علت، رژیم ولایت فقیه که دشمن زحمتکشان و آگاهی آنهاست، تاکنون هر بار قبل از آغاز سرکوبیهای خود شیوهی بستن روزنامه‌ها، حمله به نیادهای دموکراتیک، برقراری سانسور کامل را در پیش گرفته است.

امروز، بیش از هر زمان دیگر، سازمانهای کمونیستی و انقلابی وظیفه دارند با تمام امکانات خود علیه خواست رژیم و برای درهم شکستن سانسور و اختناق مبارزه ببر-خیزند و با انتشار خبرنامه‌ها، اعلامیه‌ها و غیره، این شیوه رژیم را درهم شکنند، و اطلاعات و اخبار مبارزات مبارزاتی توده‌ها در سراسر کشور را در اختیار آنها قرار دهند. سازمان ما تصمیم گرفته‌سیم خود در این مبارزه شرکت فعال داشته باشد.

روزهای بحرانی و بی‌تلاطمی را می‌گذرانیم. روزهایی که می‌تواند آستان حوادث مهمی باشد. مدتها بود که خشم‌های فروخورده، امیدهای بر باد رفته، آتش‌های زیر خاکستر، انقلاب به شأراج زفته، در مقابل ما قرار داشت. بدشید بود که اوباشان چاقا رود شده و زخم بدست، بدون تسرس از مقابل و مجازات، هر که را می‌خواستند میزدند و می‌کشند، هر اجتماعی را با سلاحهای گرم و سرد به خون می‌کشیدند و از هیچ جنایتی فروگذار نمی‌کردند. کم‌کم داشت این فکر در ذهن مردم جای پای خود را محکم میکرد که هیچ کار نمی‌شود کرد. کم‌کم داشت یاس و ناامیدی، سم مهلک خود را بذهن فرو می‌پاشید. ایسین بمعنای تحکیم کامل پایدها و آغاز بتای ضد انقلاب بود، این بمعنای آغاز مرحله نیایی شکست انقلاب بود.

بقیه در صفحه ۲

آغاز شمارش...

اختلافات حزب و بنی صدر، که یکی میخواست قدرت بلامنازع داشته و دیگری سهم بیشتری در حاکمیت را طلب میکرد، در آغاز در اتاقهای دربسته آغاز شد. بنابر...

رئیس جمهور که مانند بازرگان مدتهای طولانی در تمام اقدامات سرکوبگرانه رژیم شرکت داشت، وقتی که دید حزب جمهوری اسلامی قدم به قدم هدف خود در "حذف" او را دنبال میکند، کذبانه و فرنیکارانه به فکر...

یک رشته حوادث ریز و درشت منجمده جنگ ایران و عراق که نزدیک به ۲ میلیون تن از هموطنان ما را از ما و از مسکن خود رانده و در گوشه و کنار ایران پراکنده است، سرکوب و کشتار مداوم و بی وقفه خلق کرد، بیکاری، فقر و گرانی که بر دوش زحمتکشسان جامعه سنگینی میکند، دزدی، فساد و ارتشا در بین حاکمان جدید، اقدامات جنایتکارانه دادگاههای شرع و پاسداران سرمایه که هر روز عدهای از مردم به دفاع و با عناصر انقلابی جامعه را از دم تیغ میگذرانند، همگی به تشدید و تعمیق بحران سیاسی در هیات حاکمه و ایجاد شکاف در میان دو جناح آن کمک کرده است در این شرایط برای جناح مسلط حزبی دیگر غیر قابل تحمل بود که رئیس جمهور (هرچند در رابطه با منافع خاص خود و نه در جهت منافع مردم) رسماً و علناً علم مخالفت برافرازد. برای رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی، برکناری رئیس جمهور متهم و بیجان شدن، وسیلهای بیش نیست.

هدف همچنان و همواره، سرکوب نیروهای انقلابی و خفه کردن هر نوع صدای اعتراض نسبت به استقرار حاکمیت ارتجاعی و ضد مردمی سرمایه و ولایت فقیه است. از زمانیکه رژیم اسلحه را در مقابل باخواستهای حق طلبانهای دموکراتیک مردم بمشاید یگانه وسیلهی ممکن برای نیایمال کردن حقوق آنها در جنگ فرود در واقع جنگ داخلی را در ایران آغاز کرده و این کار را که با وقایع خونین نوروز ۵۸ سنندج و فروردین ۵۸ گنبد و بویزه کودتای ۲۸ مرداد شروع کرده بود از آن بد بعد در اشکال مختلف ادامه داد. بطوریکه امروز سخنانند آنها به عربان ترین و بی پرده ترین شکل آن در سرتاسر کشور گسترش دهد. در این میان اگر چه بنی صدر بعنوان مانع اولیه قرار دارد اما در واقع هدف اصلی او نابودی نیروهای انقلابی است تا بخیال خام رهبران جمهوری اسلامی "کار را بیکره" کند.

رژیم جمهوری اسلامی اینبار نیز در "تحلیل" ها و "محاسبات" خود کور خوانده است. نه اعتماد ۲۳ انقلابی قهرمان بلکه حتی سراه انداختن حمام خون و کشتار هزاران هزار نفر از مردم و نیروهای انقلابی نیز، هیچ یک از مشکلات گریبانگیر رژیم را حل نخواهد کرد و آنها از ورژگستگی اقتصادی و استیصال اجتماعی و درماندگی سیاسی نجات نخواهد داد. و صدای اعتراض چهار میلیون بیکار، دو میلیون آواره جنگی، میلیون ها توده های ناراضی و زحمتکش شهر و روستایی و خلقیای تحت ستم بویزه خلق قهرمان کرد را خاموش نتواند کرد.

زحمتکشان جامعه و نیروهای انقلابی، با مبارزه و اتحاد و تشکل و مقاومت خود، اینبار نیز توطئه های رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی را با شکست مواجه خواهند کرد. رهبران جمهوری اسلامی کورخوانده اند که میتوانند با تحمیل جنگ داخلی به توده ها، به حاکمیت پوتالی خود قوامی بخشند. جمهوری اسلامی با طرح عربان و آشکار جنگ داخلی، در صدد کندن گور خویش است. □

"رهائی" سه بار...

تسلیم یا مقاومت و تعرض؟ پاسخ در بطن وقایع روز ۲۵ خرداد جوید. جنایات وحشیانه همیشگی رژیم در این روز بدون پاسخ نماند. اقدام ۲۳ انقلابی و کمونیست توسط رژیم، شاهان از ضعف و وحشت و استیصال رژیم است و نه نمودای از قدرت او. اتحاد عملی که ما اینهمه در صفحات رهائی درباره ضرورت آن سخن گفته ایم در روز ۲۵ خرداد در صحنه مبارزه، تحقق یافت. هواداران کلیه سازمانهای کمونیستی، در رویا روشی مجاهدین با اوباشان رژیم، حضور فعال داشتند. حفظ و تدوام این روحیه، در کشاندن روز بروز بیشتر توده به صحنه مبارزات یا دلسرد و منفصل کردن آنها، نقش اساسی خواهد داشت. سازمان ما بعنوان بخشی از جنبش کمونیستی ایران در این باره احساس مسئولیت می کند. انتشار "رهائی" سه بار، در هفته، کامیست برای پاسخ به این مسئولیت، و مبارزه علیه اختناق و سانسور، و ارائه اخبار مبارزات توده ها، و این وظیفه است بدوش کلیه سازمانهای کمونیستی و انقلابی و تا آنجا که به سازمان ما مربوط می شود، علی رغم محدودیت امکانات ما در چاپ و پخش، از هیچ کوششی در این زمینه فروگذار نمی کنیم و در همینجا از مردم مبارز بویزه از هواداران سازمان می خواهیم که با رساندن هر چه سریع تر اخبار و اطلاعات و نیز با هر وسیله ای که در اختیار دارند از جمله با تکثیر شماره های رهائی برای پخش هر چه وسیع آنها در بین توده ها ما را یاری دهند و نقش های شوم رژیم را در سرکوب کامل آزادیها و در استقرار استبداد ولایت فقیه، نقش بر آب سازند. □

از قتل در کفاشی شارل ژوردان

تا قتل در تاکسی

الف - در مصاحبه تلویزیونی با کارشناسان تعیین حدود و شغور آزادی سیاسی! آزادی شناس مشهور، کیا نوری چنین فرمودند که در دیکتاتوری شاه چنین بود و چنان، و خلاصه آزادی نبود! خودکامگی تا بدانجا پیش رفتند بود که روز روشن محافظ ثابتی (مقام امنیتی) مورد بیگناهی را به قتل می رساند و ... اما در جمهوری اسلامی خوشبختانه چنین است و چنان و ...

ب - ۲۳ اردیبهشت ۶۰، در حوالی میدان خراسان، در غروبی نه چندان روشن! یکی از "رزمندگان دلیر اسلام" بنام محمد رضا مقیمی راننده تاکسی بیگناهی بنام محمد علی ساکتی را در پی مشاخره بر سر کرایه تاکسی به قتل می رساند و ...

ج - آیا آزادی شناس مشهور ما خواهد توانست در حکومت بعدی هم طی مصاحبه ای اعلام کند که در جمهوری اسلامی چنین بود و چنان، آزادی نبود! خودکامگی و هرج و مرج تا بدانجا پیش رفته بود که در غروبی نه چندان روشن کمیتچی پست فطرتی راننده تاکسی بیگناهی را به قتل می رساند و ... اما در (؟) خوشبختانه چنین است و چنان و ... □

برای تحقق آرمانهای واقعی زحمتکشان: انقلابی دگر باید

.. این غریب نو می دانهی مروغی شکسته پر است که سقوط می کند ..

انقلابیون ماهیای متعاندست که در زندانهای شواختی جمهوری اسلامی به حالت بلاتکلیف بسر میبرند. در عرض کمتر از ۳۰ ساعت "دادگاه ضد انقلاب مرکز" ۲۳ تن از فرزندان انقلاب، زحمتکشان همین ما را بدست جوخه‌ای اعدام میسازند و خود اقرار میکنند که حتی نام اغلب آنها را نمیدانستند.

اگر آریامیر زنده بود بی شک در مقابل این همه وقاحت و سفاکی وارشین خود سرتیظیم فرود میسازد. مزدوران سرمایه، سردمداران رژیم جمهوری اسلامی چنان به استیصال رسیده‌اند که آخرین صحنه‌های تاریخ آریامیری را یک‌به‌یک و به سرعت در پوشش حجاب اسلامی و به شکل کمدی وار آن تکرار میکنند تا آخرین غریب خود را نومیدانه در سرائیب سقوط تاریخ نظام بوسیدند. سرمایه‌داری از جنردهی متعفن خویش سردهند: دست همه را قطع خواهیم کرد...

اگر تاریخ جمهوری اسلامی تکرار آخرین نمایشات شاهنشاهی است، تاریخ مبارزات توده‌ها، تاریخ خون، تاریخ تلاش در راه رهایی از قید سرمایه، تاریخ رزم دلاورانهی فرزندان انقلابی زحمتکشان است که بی شک خون ۲۳ انقلابی شید:

- ★ بیوش آذریان
- ★ آذر احمدی
- ★ منوچهر اویسی
- ★ علیرضا رحمانی
- ★ طلعت رهنما
- ★ اصغر زهتابچی
- ★ سعید سلطانپور
- ★ جعفر قنبرنژاد
- ★ حسین مرتضوی
- ★ ...
- ★ ...

آخرین سطور برجستہی آن نخواهد بود.

گرامی باد یادشان

"رهبران" موعظه میکنند. "رهبران" تصحیح میکنند. "رهبران" گریه میکنند. "رهبران" تهدید میکنند: دست همه را قطع خواهند کرد.. و اگر لازم شد علیه رای ۲۶ میلیون رای صادر خواهند کرد. سردمداران و مزدوران رژیم جمهوری اسلامی، زحمتکشان را سرکوب میکنند، خلفای را بخون میکنند، کارگران را به گلوله می بندند... انقلابیون را به بندمی کشند، شکنجه میکنند، تسمیر میکنند، و آنگاه که به استیصال میرسند آنها را دستجمعی به جوخهی اعدام میسازند.

اگر روزگاری مزدوران ساواک به تلافی خون همکاران دژخیمان انقلابیون (و از جمله ۹ تن انقلابی گروه جزئی و مجاهدین خلق) را به دست جلادان آریامیری می سپردند و سپس دست به صحنه سازیایی از قبیل "قتل به هنگام فرار" میزدند. مزدوران ساواک اسلامی، امروزه زحمت‌چنین صحنه سازیایی را به خود همسوار نموده و به وقیحانه‌ترین شکل ممکن توحش قرون وسطایی خود را در حفظ نظام سرمایه داری آشکار میسازند.

روز یکشنبه ۳۱ خرداد ۶۰، "دادستانی ضد انقلاب" طی اطلاعیه‌هایی ابتدا خبر اعدام ۱۵ تن و سپس ۸ تن دیگر از انقلابیون را اعلام کرد. این عده اکثراً از میان دستگیرشدگان درگیریهای روز شنبه (۳۰ خرداد) انتخاب شده و "دادستانی ارتجاع" تنها نام ۱۱ نفر از آنها را اعلام کرده است. دژخیمان جمهوری اسلامی حتی فرمت سرهم کردن بیانه‌های فریکارانهی همبستگی را هم نداشته و اعلام "مشروح رای دادگاه" را به بعد موکول کرده است.

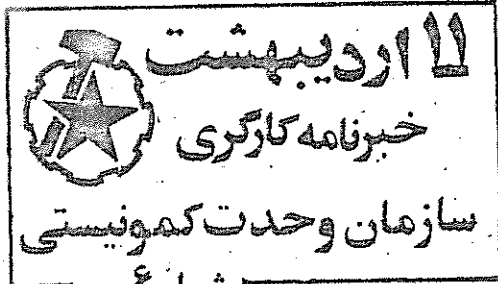
در حالیکه تعداد بیشتری از کمونیستها و سایر

کشتار انقلابیون بدون جواب نخواهد ماند

مرگ چمران،

سرنوشت تلخ یک جلا

منتشر شد



مصطفی چمران، از رهبران حزب ارتجاعی امل، از قاتلین تل زعفر و از عوامل قتل و کشتار در کردستان بویژه در پاوه، یکی از نمایندگان خمینی در شورای عالی دفاع، وزیر دفاع سابق، نمایندهی مجلس شورای اسلامی از یاران قدیمی مهدی بازرگان، بطرزی مشکوک درسنگرد کشته شد. در مشکوک بودن این امر همین بس که دستگاه های تبلیغاتی رژیم ساعتها در اینباره سکوت کرده و بر خلاف معمول دربارهی آن هایپوی براه نیانداخت. مصطفی چمران مزد آن همه جنایاتی را که در خدمت به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی، بویژه در کردستان انجام داد، گرفت. و این سرنوشت تلخ مزدوران و سرسیردگان است که تا دیروز از پایه‌گذاران حاکمیت ولایت فقیه بودند و در استقرار این حاکمیت ارتجاعی و سرکوب توده‌ها، نقش اساسی داشته‌اند و امروز همچون دستمالی مستعمل به دور ریخته میشوند. این فقط سرنوشت تلخ مزدوران دیروز رژیم نیست، این سرنوشت تلخ در انتظار تمام کسانی (بویژه رهبران حاکمو مزدوران کنونی جمهوری اسلامی) است که در خیانت به زحمتکشان از هیچ جنایاتی فروگذار نمیکنند.



پیش بسوی تدارک انقلاب سوسیالیستی

زنده باد مبارزات توده‌ها!

برای بسیاری از پرده که حوادث قبل از ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ را بخاطر دارند، می‌شاهد رجال مبارزهای اوباش خیابانی، خیانت آشکار روحانیت به جنبش و توطئه چینی‌ها و دسازیبهای حزب توده با مرتجعین و سبب تسکین کودتا از جانب ارتش بوده‌اند، حوادث چند ماه اخیر بداعی کشنده‌ی بسیاری از خاطرات تلخ گذشته است: حضور افسر سلمان در محنه که اینبار بجای شعبان جمعی، تا ثاللله قصاب و هادی غفاری را در رهبری خود دارند، و بجای حرفشوی از فلسفی‌ها و کاشانی‌ها از رهبر "سنگین" دستور دریافت می‌دارند و شعار همیشه واردان روحانیت ارتجاعی یعنی مرکب بر کمونیسیم را سر میدهند.

عده‌ای دیگر که تجربه‌ی ۲۸ مرداد را جز از طریق کتبه و روزنامه‌های سیاسی نمی‌شناسند و بالعکس خاطرات سالهای ۵۷ و روزهای قیام در اذهانتان زنده است، این حوادث تداعی آخرین ماههای فروپسند است. شعارها، نحوه‌ی درگیریها، اشکال مختلف مبارزاتی مورد استفاده و... خلاصه‌ی حرکت موجود: عدم دخالت ارتش در امور سیاسی، درگیری با حاکمان دولتی، ایستادگی در برابر سرامون نفوذ شرق و غرب در تظاهرات مردم، و... در نزد مردم آشکارا تکرار تجربه‌ی قیام است. گویی جنبشی اصل متوجه بودن توده‌ها نیز باید رعایت کرده و این مبارزات مردم جنبشی، توده‌ی بی‌صدر جایگزین شود. اما اگر در محله، حوادث می‌توانند یادآور تجارب گذشته باشند و این تجارب در صورت برخورد صحیح به آن می‌توانند مورد استفاده قرار گیرد. در واقعیت آنچه در سیر مبارزات مردم هیچ چیز دوباره عیناً تکرار نمی‌گردد. خاطرات و حوادث، حرفا می‌توانند مغزی باشند که نیروهای اجتماعی از خلال آن واقعه‌یای خود را موجه جلوه دهند، ارتباط منطقی خود را با گذشته حفظ کنند و در سیر حوادث آینده، خود را و تاریخ را بیازنند. هر چند که در این کمندی عم انگیز، بسیاری از شخصیتها و احزاب و وقایع با اندک جایگاهی و تکرار منحنی با حفظ اسالیب آشنا و شعارهای تکراری و مردان تکراری بسند محنه آیند.

بسی صدق، مصدق نیست. اما ادای مصدق را در می‌آورد. بی‌صدق می‌تواند مصدق باشد، زیرا آن شرایط اجتماعی که بولده وجود شخصیتی همچون مصدق بود، دیگر وجود خارجی ندارد تا بتواند شخصیت مناسب خویش را بسازد. با اینحال بی‌صدق بعد از یادویی ولایت فقیه، امروز می‌خواهد خود را مصدق جلوه دهد زیرا که تنها شکل ممکن ابراز شخصیت آنیم برای یک "شخصیت" مرده همانا متوسل شدن به نزدیکی‌ترین الگوی مورد نظر است. و بورژوازی مفلوک ایران از اینجی جز الگو قرار دادن شخصیتی که از دیدگاه مردم از خوشنام‌ترین رجل سیاسی معاصر است، ندارد و بدینسان مصدق وجهه ملی و امیدبخش را برای خلقی که در محن اجتماع سالهای ۳ بکار گرفته می‌شود تا بتواند بی‌ثوابی سیاسی این بخش از طبقات حاکم را در نظر مقامات بخش دیگر برسان کند. اما از آنجا که استبدادی ترین حقوق بورژوازی و حتی پارلمان اسلامی، در نزد "متفکرین اسلامی" مبارزه با آل محمد و "آئید اطهار" شمرده می‌شود و دستور قتل عام، سراجی صادر می‌شود، بورژوازی مفلوک ایران، راهی جز این ندارد که به صدور اعلامیه در اختفا و دستور العمل از بالا متوسل شود. اینبار اسلوبیای سال ۱۳۵۷ مورد استفاده قرار می‌گیرد تا تجربه‌ی سال ۱۳۳۲ زنده شود، با آنکه وقایع سالهای ۲۲ و ۵۷ هر دو "حقانیت" تاریخی خود را از دست داده‌اند و اینبار

بازی نمایش به سادگی دفعات گذشته نیست. اگر جنبشی تا دستورالعمل و مدوریانند می‌تواند بر کمرده‌ی توده مردم سوار شود، از آن رو بود که از یکسو در غیاب سازمانی مترقی و ناآگاهی مردم از امکانات بیشتری برخوردار بود، و از سوی دیگر شرایط منحصراً منطفه، جهان و ایران و زدو بندهایی که در خلوت ایجاد کردند بود از او شخصیتی "قائم" ساخت.

جنبشی که از نظر موقع سیاسی و مذهبی به شرح فضل الله نزدیکتر است، خود را همتای کاشانی - تا آنجا که وی علیه کمونیسیم موضع نگیرد - نشان میدهد، اما در حقیقت موقع واقعی اجتماع را او - جایگاهی که او بر آن حکم می‌راند - نه شرح و فصل اللدونه کاشانی، بلکه شخص شخصی است که او تا در سال پیش، بعد از سالها ممانعت با او علیه‌الشرع با رزه برداخت: آریا مهر، و چنین موقعیتی - با توجه به منش دیکتاتورمابانده‌ای که در برتاسر افکار و حرکتها وی مشخص است - فقط این راه را - راه و روش بلند خود را برای او باقی می‌گذارد، و همچون او اعصابم و میر به قلع و قمع می‌راند، و همچون او اعصابم و کشتار را در دستور کار خود قرار دهد.

اما همچنانکه تاریخ، متمدنیم و مصدق را یکسار نهاد، و از "اسطوره‌ی" او جز برای تجربه آموزی چیزی باقی نگذاشت، و ظیور مجدد او را در سبایل بی‌صدر غیر ممکن ساخت، دیکتاتورمایی جنبشی و ساد شدن او را نیز به تصویری باطل بدل کرده است.



آنچه را که بمنابیدی اخبار در این شماره و شماره‌های دیگر خواهید خواند بی‌شک جزء کوچکی از مقاومت حماسه آفرین، مردم علیه خودکامگی نظام جبرانی سر می‌آید. داری است. موبد آست که مرغ یقین قیام ۵۷ از زبر خاکش خود در حال برکشیدن است و مبارزه‌ای بی‌خروش در حال تکوین است که موجودیت رژیم جمهوری اسلامی ایران را به خطر بزرگی افکنده است. خطری بر مراتب بیچگونگی تر از آنچه که در طول این دو سال و اندکی، رژیم جمهوری اسلامی با آن مواجه بوده است. نسیمی که هم اکنون وزیدن گرفته است خبر از طوفانی عظیم می‌دهد که "اسلام عزیز" و تمام ضامیم "جاهلان" آنرا درهم می‌نوردد.

اینکه رژیم بدین گستردگی و بی‌پرده با اوباشان خود به میدان می‌آید، اینک سیاه و کیمت، بی‌نیایا زکار کلوله را به سمت مردم خلیک می‌کشند و اینک به بخشهایی از ارتش وارد کارزار می‌شوند، حکام شرع دست به اقدامهای بی‌در پی می‌زنند، و حتی جان زندانیشان نیز از حلقه اوباشان رژیم در امان نیست. تسان از آن دارد که رژیم جمهوری اسلامی کمر به نابودی تمامی مخالفین خود بسته است. اما آنچه که بطوریت مقاومت های گسترده‌ی مردم و نیروهای انقلابی و تعرض وسیع ایشان علیه نیروهای فتنه‌گرایان در جریان است نیز نشان از این دارد که مردم مصمم هستند با فداکاری و مبارزه‌ای سخت رژیم را در حلقه‌ی خویش نا کام گذارند. شرایط مساعد مبارزاتی، روی آوری هر چه بیشتر مردم به صف نیروهای انقلابی و تعرض شدن رژیم در نزد مردم، فزونی است تا این جنبش را به جنبشی گسترده علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران تبدیل می‌کنیم و در عمل بد تقویت مبارزات توده‌ها دست گفاریم.

هسته‌های مقاومت توده‌ای را سازمان دهیم

اخبار

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۰

یک از جوانان زحمتکش محله ی نازی آباد، بنام طوسی حیدر بابا زاده، بخاطر اعتراض به کتک زدن یک دختر در میدان سپه، مورد حمله ی وحشیانه ی پاسداران قرار گرفت و توسط آنان به شهادت رسید.

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۰

یک ماشین متعلق به سپاه پاسداران توسط مردم انقلابی که از جنایات و وحشیانه ی مزدوران چماق بدست به خشم آمده بودند، در خیابان سید خندان بسطه آتش کشیده شد.

شنبه ۶۰/۳/۲۳

ساعت ۴/۳۰ الی ۵ بعد از ظهر سه موتور متعلق به پاسداران که قبلا از سوی مردم مبارز شناسائی شده بود در میدان فردوسی به آتش کشیده شد. ضمناً همان روز حدود ساعت ۵/۴۵ بعد از ظهر، در فاصله ی ایرانشهر - فردوسی یک موتور متعلق به پاسداران توسط یک جوان انقلابی به آتش کشیده شد. این عمل انقلابی خنکامی رخ داد که پاسدار صاحب موتور برای بر هم زدن بحث خیابانی و پراکندن مردم به میان جمعیت رفته بود.

یکشنبه ۶۰/۳/۲۴

حدود ساعت ۸ شب، عده ای نزدیک به ۱۰۰ نفر دست به یک تظاهرات موضعی در خیابان جمالزاده زدند. تظاهر کنندگان در تقاطع جمهوری و جمالزاده با صفی پاسداران مواجه شدند و به درگیری با آنها و حمله الهی ها پرداختند.

یکشنبه ۶۰/۳/۲۴

یکشنبه شب در منطقه ی حمزه آباد تظاهراتی توسط گروهی از هواداران "مجاهدین" بنفج بنی صدر انجام شد. در این تظاهرات گروهی از مردم زحمتکش منطقه که از ستم سرمایه داری به تنگ آمده اند و به آشتیگاه بنی صدر را حلال مشکلات خود میپنداشتند نیز شرکت داشتند. بعد از مدتی افراد سپاه پاسداران برای انجام وظیفه ی "مقدس" سرکوب توده ها به منطقه آمده و به مردم حمله کردند. مردم ضمن دفاع از خود و طی درگیری ۲ نفر از پاسداران را زخمی کردند.

دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حزب جمهوری به کمک ارگانهای سرکوبگرش مثل کمیته ها طی هفته ی گذشته هر روز بین ساعات ۶ الی ۶/۱۵ صبح، با یک اتوبوس خط یاخچی آباد - پارک شهر عده ای از دختران فالانژ را از میدان چهارصد دستگاه نازی آباد برای انجام تبلیغات ارتجاعی خود و دستگیری دختران انقلابی و مبارز به نقاط دیگر شهر میبرد و شب باز میگردد.

دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حدود ساعت ۱/۴۰ بعد از ظهر یک تظاهرات موضعی با شرکت حدود ۵۰ - ۴۰ نفر و با شعار "یا مرگ، یا آزادی" از خیابان جمالزاده راه افتاد. قبل از خیابان انقلاب طبق معمول چماقداران به آنها حمله کردند و عده ای را مورد ضرب و شتم قرار داده و حدود ۱۰ نفر از دختران را به ماشین کمیته ی منطقه ی ۶ که در صحنه حاضر شده بود تحویل دادند.

دوشنبه ۶۰/۳/۲۵

حدود ساعت ۳ بعد از ظهر بعد از سخنرانی آیست اله خمینی سیل چماقداران در اطراف خیابان انقلاب، جمالزاده، کارگر ۲۰۰ در دسته های ۱۰۰ نفری با شعار "مرگ بر ضد ندای قران"، همراه با آکپیهای شناسائی و تعداد زیادی از پاسداران ملتبس به لباس شخصی به حرکت در آمده و تعدادی را در خیابان کارگر دستگیر کردند.

سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

بدنبال یورشهای اخیر مزدوران به نیروهای انقلابی افراد کمیته ی منطقه ی ۱۳ عده ای از هواداران نیرومهای کمونیست و انقلابی ساکن محلات خانی آباد نور، یاخچی آباد، نازی آباد و طی آباد را دستگیر کردند. گفته میشود که از منطقه ی خزانه نیز حداقل ۳ نفر از جمله یک دختر مبارز دستگیر شده اند که از سرنوشت آنها فعلا اطلاع دقیقی در دست نیست.

سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

سه شنبه شب، سپاه پاسداران در ادامه ی سیاستهای سرکوبگرانه اش به یکی از خانه های تیمی "مجاهدین" در محله ی چاله مگس واقع در شهرری یورش برد و به قصد

تصرف خانه شروع به تیراندازی کرد ساکنین خانه مذکور که بین ۴ تا ۷ نفر گزارش شده اند متقابلا دست به مقاومت مسلحانه زدند . تیراندازی تا پاس از شب ادامه داشت و گاز اشک آور فضای منطقه را پر کرده بود . طی مقاومت مسلحانه ی ساکنین خانه ۲ الی ۴ تن از پاسداران به ضرب گلوله ی انقلاب بیون از پای درآمدند . این حمله با دستگیری ساکنین خانه به پایان رسید خبر این درگیری و مقاومت قهرمانانه ی انقلاب بیون وسیعا در بین کارگزاران نارخانه های اطراف شاه عبدالعظیم پخش شده است .

سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

در منطقه ی صالح آباد (ابتدای اتوبان بهشت زهرا بین اوپاش حزب اللهی و مردمی که از سرکوب و ارباب رژیم به تنگ آمده اند ، یک درگیری رخ داد که طی آن ۳ الی ۴ نفر از اوپاش زخمی شدند .

ورامین - سه شنبه ۶۰/۳/۲۶

در این روز بدنبال راهپیمائی اعتراض آمیز مردم قرچک ورامین ، بین تظاهرکنندگان و اوپاش و افراد کمیته و سپاه درگیری شدیدی پیش آمد . طی این درگیری ، پاسداران سرمایه و اوپاش ارتجاع ۴ الی ۶ نفر مردم زحمتکش را به شهادت رساندند . مردم نیز در مقابل این هجوم ساکت ننشسته و با یک هجوم انقلابی ۲ نفر از پاسداران مزدور را از پای درآوردند . صبح روز بعد ، بدنبال اعتراض بقایح شب گذشته تظاهراتی از سوی مردم برپا شد که مجددا "مورد حمله افراد سپاه پاسداران قرار گرفت . طی این حمله نیز پاسداران بسوی مردم تیراندازی کردند ولی کسی زخمی یا کشته نشد .

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

بعد از ظهر تعداد قلیلی از هواداران مجاهدین در میدان شهر ورامین هنگام پخش نامه بنی صدر ، با عکس العمل مخالف ۵۰ الی ۶۰ نفر از حاجی ها و مغازه داران مواجهه میگردند . گردن کلفتها ی ورامین بدور میدان میچرخند و شعار میدهند . این جریان با دستگیری سه دختر هوادار مجاهدین توسط کمیته شهر خاتمه می یابد . از آن روز به بعد تظاهرات متعددی توسط حزب اللهی ها در ورامین انجام گرفته است . ساعت ۱۰/۳۰ چهارشنبه بیش از دو هزار نفر در قرچک ورامین دست به تظاهرات زدند . پس از نزدیک به نیم ساعت کمیته ی قرچک با کمک پاسداران مستقر در پادگان توجیهی که در چند کیلومتری محل واقع است از دو طرف تظاهرکنندگان را محاصره کرده و از پشت به آنها تیراندازی کردند که در نتیجه بین سه الی پنج نفر کشته و حدود ۸ نفر زخمی شدند . ظاهرا کسی در این واقعه دستگیر نشد ولی درگیریهای پراکنده در خیابانهای قرچک تا ساعت ۱/۳۰ صبح ادامه داشت .

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

ساعت ۶/۳۰ الی ۷ بعد از ظهر در چهار راه حمزه - یاخچیل آباد بدنبال بحثهای خیابانی بین مردم و اوپاش حزب اللهی که در بین آنها افراد کمیته با لباس شخصی نیز دیده میشدند ، درگیری رخ داد . در این درگیری مردم در مقابل یورش اوپاش و افراد کمیته به مقاومت و حمله متقابل پرداخته و ۳ الی ۴ نفر از آنها را راهی بیمارستان کردند .

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

بنا بر اخبار رسیده ، عده ای از جوانان انقلابی و مبارز با استفاده از کوکتل مولوتف یک ماشین شورلت متعلق به سپاه پاسداران را در سه راه زندان ، ابتدای خیابان معلم ، منفجر کردند .

چهارشنبه ۶۰/۳/۲۷

ساعت ۹ شب افراد کمیته ی منطقه ی ۱۳ پس از محاصره ی کامل منطقه از طریق خیابانها و حتی پشت بامها ، که از صبح آنروز شروع شده بود به یکی از مراکز نیبه علی "مجاهدین" در منطقه ی نازی آباد یورش بردند . منظور از این یورش وحشیانه دستگیری هواداران "مجاهدین" و مردم مبارزی بود که به اعتراض به سرکوبهای اخیر مزدوران رژیم گرد آمده بودند . یورش وحشیانه ی پاسداران که مجهز به مسلسل و گاز اشک آور بودند با مقاومت افراد داخل ساختمان روبه رو شد . در خاتمه ی این درگیری بیش از صد نفر توسط پاسداران دستگیر شدند که ضمن انتقال به اترپوس سپاه مورد ضرب و شتم شدید پاسداران قرار گرفتند و متقابلا به حمله دست زدند . این عده به زندان صالح آباد که زندان سپاه پاسداران است منتقل شدند .

عصر همانروز تعداد زیادی از والدین دستگیر شدگان بعنوان اعتراض در مقابل ساختمان کمیته ی ۱۳ واقع در میدان نازی آباد تجمع کرده و دست به افشاگری زدند . بنا بر گزارشهای موثق ، دستگیر شدگان در طول شب تا صبح پنج شنبه در داخل زندان بشدت مورد ضرب و جرح قرار گرفتند ، بعدیکه شش نفر از آنها که وضعشان وخیم بود به کمیته ی ۱۳ منتقل شدند . سپاه پاسداران زیر فشار مردم که خواستار اعلام علت دستگیری فرزندانشان بودند ، به دروغ اعلام کرد که بخاطر یافتن عکسهای سکسی () شیشه های کوکتل مولوتف و عکسهای شاه سابق () در ساختمان مذکور به دستگیری ساکنین آنجا مبادرت ورزیده است . و یکبار دیگر ثابت کرد که در تبلیغات دروغ دست رژیم شاه را از پشت بسته است .



تزوین (شهر صنعتی) پنج شنبه ۲۸ / ۳ / ۶۰

در پی سخنرانی رئیس کمیته شهر صنعتی قزوین در مورد بالا بردن تولید و حمله به بنی صدر و کارگران حاضر اعتراض کرده و وی را به سختی کتک زدند . بعد - نبال آن پاسداران نیز که بنفع رئیس کمیته دخالت کرده بودند ، کتک مفعولی خوردند .

حدود ساعت ۱ بعد از ظهر ، کارگران پسران از صحبت با یکدیگر در کارخانه های مختلف ، تصمیم به راهپیمایی علیه حزب جمهوری اسلامی و خفقان و استبداد گرفتند . دقیقی بعد هزاران نفر از کارگران با شعارهای مرگ بر بهشتی و مرگ بر رفسنجانی ، بسوی قزوین به تظاهرات پرداختند .

صفه کارگران در حدود چهار کیلومتر بسوی شهر پیشروی کرده بود که پس از عبور از پاسگاه پلیس راه ، توسط ۶۰ پاسدار مسلح مورد حمله قرار گرفت . پاسداران سرمایه کارگران را به رگبار گلوله بستند .

طبق آمار موقت در این کشتار که یاد آور کشتار کارگران جهان چیت توسط رژیم شاه است ، یازده نفر شهید ، بیش از پنجاه نفر زخمی و چند صد نفر دستگیر شدند . کارگران همچنین جسد چهار کارگری را که هنگام گلوله باران به باغهای اطراف پناه برده بودند ، پیدا کردند .

گزارش دقیق از داخل کمیته مرکزی قزوین حاکی است که کارگران دستگیر شده را که حدود ۳۰۰ نفر هستند ، بشدت کتک زده و شکنجه میکنند . همچنین حدود ۴۰ نفر از کارگران زخمی در بیمارستان امام صادق قزوین بستری هستند .

تبریز ۳۰ / ۳ / ۶۰

در اینروز تبریز از حمله اوآشان و پاسداران سرمد مایه در امان نبود . اخبار رسیده حاکی از آن است که در یک درگیری بین مردم از یک سو و پاسداران سرمد تجمیع از سوی دیگر در مقابل بازار تبریز ، یک نفر از هواداران مجاهدین شهید شد و یک پاسدار هم از پای درآمد . حدود ۵۰۰ نفر نیز دستگیر شدند . در هنگام تشییع جنازه مجاهد شهید ، پاسداران و اوآشان حزب جمهوری اسلامی به شرکت کنندگان در مراسم حمله کرده و چند نفر را دستگیر کردند .

گزارشی کوتاه از خیابانهای مرکزی تهران

در بعد از ظهر شنبه ۲۰ / ۳ / ۶۰

ساعت ۱۵ / ۷ ، چهارراه مصدق - طالقانی :

درگیریهای پراکنده ولی شدیدی میان گروههای حزب اللهی و افرادی که هواداران مجاهدین بنظر میرسند در جریان است . پسر جوانی در حالیکه فریاد میزند " الله اکبر " از دست یکجده حزب اللهی و چاق به دست میگیرد . حزب اللهی ها در مقابل هتل رومال گاردن جمع شده اند و سروصدای شعار دادن نشان بلند است ، چند اتوبوس ، و اتومبیل سواری را هم متوقف کرده اند و بنظر میرسد قصد دارند آنها را بگردند . از چهارراه مصدق - طالقانی تا میدان فلسطین جزو متشنج است ، اما از فلسطین به بعد طالقانی نسبتاً آرام است .

حدود ساعت ۵ ، خیابان جمهوری در تقاطع مصدق ، صدای تیراندازی از حوالی چهارراه مصدق انقلاب و بالاتر بگوش میرسد ، گله های حزب اللهی در گوشه و کنار پرسه میزنند . بعلت بسته بودن خیابان مصدق تراکم جمعیت زیاد است اما درگیری دیده نمی شود .

۱۵ / ۵ ، چهارراه حسن آباد (حافظ - سپه) :

درگیری یا تجمع وجود ندارد ، اما اغلب منازعه های خیابان سیه بسته اند ، که غیرهادی بنظر میرسد . بعضی منازعه ها هم در هایشان باز است اما کرکره ها را پائین کشیده اند و گویا منتظر اتفاقی هستند . در حوالی میدان ۱۵ خرداد (اراک) چند خابریا هم صحبت میکنند ، مردی اطلاع میدهد که در جلوی دانشگاه چند مغازه و اتومبیل را آتش زده اند و میگوید که دیده پناه سدان دختری را که اعلامیه پخش میکرد دستگیر کرده اند .

ساعت ۷ خیابان سیه حوالی تقاطع با مصدق :

صدای تیراندازی شنیده میشود . بعلت بسته بودن خیابان در نزدیکی مجلس اتومبیلها مجبورند از خیابانهای فرعی به راه خود ادامه دهند . در همین حوالی یکجده حزب اللهی به ماشین پلیسی که در نزدیکی کلانتری متوقف شده هجوم آوردند تا دختری را

که روسری به سر دارد و هوادار مجاهدین بنظر میرسد از ماشین بیرون کشند ، اما پاسبانها سعی دارند جلویشان را بگیرند .

حدود ساعت ۶/۱۵ - میدان باغشاه ، خیابان کارگر ، خیابان بسیار شلوغ است . يك دسته حزب اللهی با چند حزب اللهی دیگر که در يك ماشین شخصی مجهز به بیسیم و بلندگو نشسته اند صحبت و کسب تکلیف میکنند . اغلب حزب اللهی ها مسلح به چوب و چماق هستند . يك پسر حدودا ۱۴ ساله کابل کلفتی را بصورت يك چماق دسته دار در آورده و در دست گرفته است .

ساعت ۶/۴۵ همراه مظهری (تخت طاووس) - مصدق ، خیابانهای فرعی بسیار شلوغند ، چون اتومبیلها از فاطمی ، که بعلت شلوغی بسته است سعی میکنند از راههای فرعی خود را به تخت طاووس برسانند . صدای تیراندازی از خیابان مصدق ، بالاتر و پائین تر از سهراب به گوش میرسد . راننده يك اتومبیل میگوید : " از زیر خمپاره در زخمیم ، گرفتار رگبار مسلسل شدیم " .

حدود ساعت ۵ بعد از ظهر يك صف از مجاهدین در حدود ۲۰۰ - ۳۰۰ نفر از شمال خیابان نجف تا اللهی میگردند ، آنها شعار میدهند : " مرگ بر بعثت " ، " ملت بیاخیزید حزب شده رستاخیز " ، " تظاهرات مجاهدین را ۱۷ شهریور کردند " . صف تظاهرات در تقاطع خیابان کریمخان متفرق میشود و در این هنگام چندین فالانتر که یکی از آنها دشمنای به طول ۳۰ سانتیمتر در يك دست و شلاق در دست دیگر دارند از پشت برف مردم میدود . وی سپس وارد فیشرایاد میشود . یکی از فالانترها ناگهان به طرف پسر جوانی حمله کرده و شروع به فشردن گلولی او میکند . پسر فریاد میکشد " بخدا من مجاهد نیستم که فالانتر دشمنه و شلاق بدست سر میرسد و پس از زدن چندین ضربه شلاق او را رها میکنند .

دو نفر که از بیمارستان آباد آنا آمده اند ، میگویند تا ساعت ۵/۳۰ ۱۴ کشته به آنجا آورده اند . حدود ساعت ۶ از حوالی میدان فردوسی صدای انفجار شدیدی بگوش میرسد .

در تظاهرات امروز ، حجت الاسلام هادی غفاری در سرکوب تظاهر کنندگان نقش بسیار فعال دارد . او مرتبا با ماشین خود (نیات ۱۴۷۴۱ اصفهان) در حال حرکت به اینطرف و آنطرف ، تیراندازی هوایی و دستگیری افراد " مشکوک " یا بحبارت دیگر مخالف حزب الله است .

در ساعت ۵/۴۵ در تقاطع تخت طاووس (مظهری) - مصدق ، غفاری که مرتبا به اینطرف و آنطرف میرود و غرند میکند ، به منزل سه طبقه شماره ۴۰۲ که در اولین ایستگاه اتوبوس خیابان مظهری واقع شده است " مظنون " میشود . چون گویا دو سه تن از تظاهر کنندگان به این خانه پناهنده شده اند ، غفاری به محض بسته دیدن در ورودی ، شروع به تیراندازی سمت آبارتمان میکند و همدستان وی مرتبا برایش خشاب عوض میکنند و او هم بدون وقفه به آنجا تیراندازی میکند .

بالاخره عده ای از ساکنین منزل به پشت بام میروند و دستیاران غفاری نیز وارد خانه میشوند و از میان همه یک نفر که ساکن آن خانه نیست دستگیر و بقیه ساکنین هر سه طبقه را کتک میزنند . سپس غفاری به تیراندازی بسوی منزل دیگری که نیز بکسر به تقاطع است ، میرود از روی در و دیوار این آبارتمان آثار حدود ۴۰ گلوله بخوبی نمایان است .

پس از جریان حمله ، او و یکی دو تن از او همراه او وارد گراند هتل میشوند و بدون دستگیر کردن کسی بیرون می آیند . بعد سرتقاطع تعداد زیادی از اتومبیلها را متوقف و راننده یا سرنشینان بعضی از آنها را کتک زده و یا به فحش میکشند . تمام صحنه ها خود غفاری اسلحه بدست در این کارها پیشقدم است . در این جریان عده ای حزب الله مرتبا بطرف گروههای چند نفری تماشاچی هجوم میبرند هر کس را که فرار میکند دستگیر و بدون توجه به استند های وی بشدت مضروب کرده و بعد تحویل ماشین کشته و یا اتوبوس مخصوص میدهند .

فرمانده سپاه پاسداران ارومیه توسط انقلابیون کرد کشته شد .

باتمام قوا مانع دستگیری مبارزین شویم